



## بازخوانی جایگاه رئیس جمهور در نظریه امامت و امت مبتنی بر راهبرد و سیاست‌های قانون اساسی

### جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دوره ریاست جمهوری شهید رئیسی)

علی بهادری جهرمی، علی فتاحی زفرقندی<sup>۱</sup>

۳۶

دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۳۶  
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۴-۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۱۲-۰۲

صص: ۲۱۱-۱۹۵

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

نظریه امامت و امت، به‌عنوان یکی از مبانی نظری نظام حقوقی ایران، بر مشروعیت الهی و مشارکت و نقش‌آفرینی فعال مردم تأکید دارد. در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ولایت فقیه و امامت امت را در نظام جمهوری اسلامی اساسی‌سازی نموده است و از سوی دیگر در مقام طراحی نحوه‌ی نقش‌آفرینی مردم، انتخاب رئیس‌جمهور را یکی از طرق اداره امور کشور با اتکا به آرا عمومی معرفی می‌کند. آنچه تحلیل و بررسی آن از حیث حقوقی دارای اهمیت است؛ تحلیل نسبت و رابطه‌ی ولی فقیه و رئیس‌جمهور در ساختار سازی نظام اسلامی است. بر این اساس مبتنی بر دو اصل ولایتمداری و مردم‌پایگی به‌عنوان ستون‌های نظریه امامت و امت این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که جایگاه رئیس‌جمهور در نظریه امامت و امت مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیره‌ی عملی شهید رئیسی چیست؟ به نظر می‌رسد که شهید رئیسی با تقویت همزمان شاخص‌ها و رویه‌های ناظر به ولایتمداری و مردم‌پایگی توانست الگویی موفق از جایگاه رئیس‌جمهور در این نظریه که یکی از ارکان اساسی دولت‌سازی اسلامی است ارائه دهد. این مقاله، با ارائه نمونه‌های عملی از سیره مدیریتی شهید رئیسی، راهکارهایی برای تقویت نقش رئیس‌جمهور در چارچوب نظریه امامت و امت پیشنهاد می‌دهد. همچنین مبتنی بر دریافت‌های این پژوهش هم‌افزایی میان ولایتمداری و مردم‌پایگی بر کارآمدی دولت و افزایش سرمایه اجتماعی اثر مثبت خواهد داشت.

### واژگان کلیدی:

رئیس‌جمهور، امامت و امت، ولایتمداری، دولت‌سازی اسلامی، شهید رئیسی، مردم‌سالاری دینی، الگوی اسلامی ایرانی

۱. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(نویسنده مسول) a.bahadori.j@modares.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران



## مقدمه و بیان مسئله

نظریه امامت و امت، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نظریات سیاسی و حقوقی اسلام، چارچوبی نظام‌مند برای پیوند میان مشروعیت الهی و مشارکت مردمی در نحوه‌ی اعمال حاکمیت ارائه می‌دهد. این نظریه، که ریشه در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) دارد، نه‌تنها مبنای فقهی ولایت فقیه را تشکیل می‌دهد، بلکه نظام مردم‌سالاری دینی را نیز تبیین می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۷۶) بر اساس این نظریه، حاکمیت در نظام اسلامی، تلفیقی از رهبری الهی و حضور فعال مردم است؛ به‌گونه‌ای که ولی فقیه، هدایت‌گر مسیر کلان جامعه و مردم، مجری اراده الهی و شریک در تعیین سرنوشت اجتماعی خود هستند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۶۵). این در حالی است که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران و استقرار نظریه امامت و امت از طریق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچه محل تأمل قرار گرفت نسبت میان ساختارسازی در حکمرانی مبتنی بر این نظریه بود. بر همین اساس نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، علیرغم عدم پیش‌بینی ساختار ولایت فقیه در پیش‌نویس قانون اساسی، موضوع، شرایط و نحوه انتخاب ولی فقیه را در چند اصل قانون اساسی، اساسی‌سازی نمودند. مبتنی بر این اصول در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است. از سوی دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۱۳، ۱۲۱، و ۱۲۲ قانون اساسی، رئیس‌جمهور را مسئول اجرای قانون اساسی، نظارت بر امور اجرایی، و مسئول در برابر مردم و نمایندگان آن‌ها در مجلس می‌داند. بر اساس ساختار طراحی شده رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌گردد و رهبری بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی رای مردم را تنفیذ می‌نماید. این در حالی است که برخی چالش‌های موجود در فرآیند اتخاذ تصمیمات کلان در کشور این موضوع را در میان صاحب‌نظران مطرح می‌نمود که ساختار طراحی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نسبت میان ولی فقیه و صلاحیت‌ها و اختیارات وی و صلاحیت‌ها و اختیارات رئیس‌جمهور؛ جهت تحقق نظریه امامت و امت نیازمند بازنگری است و ساختار موجود در مسیر تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران کارآمد نیست. اهمیت این موضوع از آن روست که تحقق کامل نظریه امامت و امت از طریق پنج مرحله «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» صورت می‌گیرد و دولت‌سازی اسلامی، به‌عنوان سومین مرحله، نقشی اساسی در عملیاتی‌سازی ارزش‌های دینی و پیوند ولایتمداری و مردم‌پایگی دارد. (صالحی زاده و عباس‌پور، ۱۴۰۲، ۲۸۴) این مرحله، نقطه اتصال میان نظام و جامعه اسلامی است که در آن، ارزش‌های الهی به‌صورت عینی در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی تبلور می‌یابند که مطابق بیانات مستمر رهبر انقلاب همچنان به صورت کامل محقق نشده و در مسیر تحقق آن طراحی الگو و ساختار سازی متناسب با اهداف الزامی خواهد بود. (جهان بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳، ۳۷) بر این اساس ضروری است تا جایگاه رئیس‌جمهور در نظریه امامت و امت مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روشن شود تا اساسی‌ترین رکن دولت اسلامی یعنی رئیس دولت اسلامی و ارتباط و جایگاه آن با موضوع امامت و همچنین جامعه



اسلامی به درستی طراحی و در مرحله اجرا و عمل نیز پیاده‌سازی شود. در این راستا در مقاله حاضر با این رویکرد که آیا طراحی موجود می‌تواند در جهت تحقق اهداف باشد مورد بازخوانی و مذاقه قرار خواهد گرفت تا روشن شود که آیا آسیب‌های بیان شده و عدم تحقق عملی دولت اسلامی ناشی از نحوه‌ی طراحی نظام سیاسی است یا ناشی از ابعاد رفتاری روسای جمهور گذشته بوده است. بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از این که جایگاه رئیس‌جمهور در نظریه امامت و امت مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر سیره‌ی عملی شهید رئیسی چیست؟ این پژوهش با هدف بازخوانی جایگاه رئیس‌جمهور در تحقق نظریه امامت و امت در چارچوب قانون اساسی، با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی به بازخوانی رفتاری، عملکرد شهید رئیسی می‌پردازد. بر این اساس پژوهش ابتدا به بررسی مبانی نظریه امامت و امت در فقه و قانون اساسی می‌پردازد. سپس با مطالعه تطبیقی عملکرد شهید رئیسی، چگونگی پیوند ولایتمداری و مردم‌پایگی در سطوح اجرایی و نحوه‌ی تحقق نظریه امامت و امت تبیین خواهد شد. در نهایت نیز چالش‌های پیش روی مرحله دولت‌سازی اسلامی و ارائه راهکارهایی برای تقویت نقش رئیس‌جمهور، تحلیل می‌شود.

در مقام بررسی ادبیات پژوهش باید بیان نمود که کتب حقوق اساسی در بخش‌های متعددی به موضوع حدود صلاحیت‌های رئیس‌جمهور پرداخته‌اند که برای نمونه می‌توان به کتاب حقوق اساسی اثر محمد هاشمی، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اثر حسین مهرپور، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اثر فرید محسنی و حقوق اساسی اثر پژوهشگرده شورای نگهبان اشاره نمود و مقالاتی از جمله تحلیل دیدگاه‌های متناقض موجود از حدود اختیارات قانونی رئیس‌جمهور در ایران اثر عباس تقوائی و بررسی تطبیقی وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در حقوق ایران و افغانستان عبدالمتین عزیزی به بررسی ابعادی از صلاحیت‌های ریاست‌جمهور در نظام حقوقی ایران پرداخته است علاوه بر این مجموعه مقالات مجموعه مقالات دومین همایش ملی مسئولیت اجرای قانون اساسی در دو جلد ابعاد گوناگون مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه او را بررسی نموده است اما در هیچ یک از این آثار با رویکرد تحلیل مبنامحور مبتنی بر اهداف نظام اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی به موضوع صلاحیت‌های ریاست‌جمهوری پرداخته نشده و همچنین نگاه به عرصه‌ی عملی و تحلیل وضعیت مطلوب مبتنی بر آن را نداشته است.

## چارچوب نظری

به عنوان گام نخست و ضروری در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی ضروری است مفاهیمی کلیدی پژوهش یعنی نظریه امامت و امت و مردم‌سالاری دینی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

### ○ نظریه امامت و امت

نظریه امامت و امت یکی از بنیادی‌ترین اصول در نظام سیاسی اسلام است که پیوند میان هدایت الهی و مشارکت مردمی را تبیین می‌کند. این نظریه، با تکیه بر آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع)، الگویی کامل برای حکمرانی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد. در این نظریه، امام به‌عنوان رهبر دینی و سیاسی، هدایت‌گر جامعه به سوی

ارزش‌های الهی است و امت، با تبعیت از امام و مشارکت فعال در امور اجتماعی، نقش اساسی در تحقق این اهداف ایفا می‌کند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۱: ۲۲۳). در قرآن کریم، آیات متعددی به جایگاه امام و نقش امت در پیروی از امام اشاره دارد. آیه ۷۳ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»؛ این آیه بر هدایت جامعه توسط امام تأکید می‌کند و نقش هدایت‌گرانه امام در مسیر الهی را نشان می‌دهد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۴۵۵). علاوه بر این، در آیه ۵۹ سوره نساء آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ که به وضوح ضرورت تبعیت از ولی امر را برای جامعه اسلامی تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۶۱۶).

علاوه بر آیات قرآن کریم می‌توان به احادیث و روایات نیز در راستای تحلیل نظریه‌ی امامت و امت توجه نمود. در حدیث معروف ثقلین، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي»؛ این روایت، پیوند میان قرآن و اهل بیت (ع) را به‌عنوان دو منبع هدایت جامعه اسلامی تأکید می‌کند (بروجردی، ۱۳۸۶: ۵۴۲). نظریه امامت و امت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، از طریق اصل ولایت فقیه عملیاتی شده است. اصل پنجم قانون اساسی تصریح می‌کند: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه جامع‌الشرایط است» (قانون اساسی، اصل ۵). بر اساس این اصل مقصود از امام فردی است که در پیشاپیش گروهی قرار می‌گیرد و دیگران به او اقتدا کرده و از وی پیروی میکنند؛ امت نیز گروه به هم پیوسته‌ای است که بر محور یک وجه مشترک گرد می‌آیند و قصد واحدی دارند. (کعبی، ۱۳۹۸: ۲۵۹) این اصل، پیوند میان مشروعیت الهی و حاکمیت مردمی را در چارچوب ولایت فقیه تبیین می‌کند و جایگاه رهبر جامعه اسلامی را در نظام حقوقی مشخص می‌سازد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۹).

در نظریه امامت و امت، مردم به‌عنوان امت، نقش فعالی در حکمرانی ایفا می‌کنند. این نظریه، برخلاف نظام‌های استبدادی، مردم را تنها مطیع نمی‌داند، بلکه مشارکت فعال آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها را ضروری می‌داند و به‌عنوان وظیفه تلقی می‌کند. (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶۳) این نظریه زیربنای مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این نظریه، با ارائه‌الگویی که هم‌زمان بر حاکمیت الهی و مشارکت مردمی تأکید دارد، توانسته است میان مشروعیت الهی و مقبولیت عمومی، تعادل برقرار کند. در این نظام، رهبری جامعه از جانب خداوند منصوب می‌شود، اما تحقق این رهبری، بدون حمایت و مشارکت مردم ممکن نیست. (کعبی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۷) در نتیجه نه تنها نظریه امامت و امت چارچوب نظری مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد، بلکه الگوی عملی برای تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه ارائه می‌دهد. این نظریه، با تأکید بر هم‌افزایی میان هدایت‌گری ولی فقیه و مشارکت مردم، الگویی جامع برای حکمرانی اسلامی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌خوبی انعکاس یافته است.

#### ○ مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پیوندی منحصر به فرد میان مشروعیت الهی و مشارکت عمومی برقرار می‌کند. این نظریه، برخلاف دموکراسی لیبرال که بر اراده مستقل انسان‌ها و



جدایی دین از سیاست تأکید دارد (هیود، ۱۳۸۴:۱۶۴)، بر اصل حاکمیت الهی استوار است و مردم را به‌عنوان عامل اجرایی اراده الهی در ساختار حکومت معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲:۵۶). مردم‌سالاری دینی، با تکیه بر آموزه‌های قرآن و سنت، الگویی برای حکمرانی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد که در آن، مردم از طریق مشارکت فعال در امور اجرایی، تحقق عدالت و پیشرفت جامعه را دنبال می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۰:۱۳۴). مبانی مردم‌سالاری دینی را می‌توان در اصول قرآنی و احادیث اسلامی جست‌وجو کرد.

قرآن کریم در آیه ۳۸ سوره شوری در مقام تبیین خصوصیات جامعه اسلامی به امر مشورت اشاره می‌کند و می‌فرماید «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» که این آیه به‌وضوح بر اهمیت مشورت و تصمیم‌گیری جمعی تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۷۸:۹۳). در کنار این، ضرورت شورا مبتنی بر سیره‌ی حکمرانی نبوی و علوی نیز قابل استناد است. (بهادری جهرمی و فتاحی زفرقندی، ۲۸۲:۱۴۰۳) این مبانی، نشان می‌دهند که مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های حکومتی، ریشه در اصول اسلامی دارد و به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر نظریه مردم‌سالاری دینی، اصولی را برای تضمین حاکمیت مردم در چارچوب ارزش‌های اسلامی تدوین کرده است. اصل ۶ قانون اساسی تصریح می‌کند که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود». همچنین اصل ۵۶، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا دانسته و تأکید می‌کند که «او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است». این اصل، نقطه اتصال میان حاکمیت الهی و حق مشارکت مردمی را به‌خوبی نشان می‌دهد (عمید زنجانی، ۱۳۸۹:۳۷۱). مردم‌سالاری دینی، از منظر مبانی و اهداف، تفاوت‌های اساسی با دموکراسی لیبرال دارد. در دموکراسی لیبرال، مشروعیت حکومت از اراده مردم و رضایت آن‌ها نشأت می‌گیرد؛ در حالی که در مردم‌سالاری دینی، مشروعیت حاکمیت از خداوند و شریعت الهی سرچشمه می‌گیرد و مردم، با پذیرش این مشروعیت، آن را اجرایی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵) حقوق عمومی، به‌عنوان شاخه‌ای از علم حقوق که به تنظیم روابط میان دولت و مردم می‌پردازد، در نظام مردم‌سالاری دینی جایگاه متمایزی در تحقق نظریه امامت و امت دارد. در این نظام، حقوق عمومی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که مشارکت مردم در امور حکومتی را تسهیل و در عین حال، حقوق اساسی آن‌ها را حفظ کند. به بیان دیگر تحقق کامل مردم‌سالاری دینی، با چالش‌هایی نظیر ضعف در فرهنگ سیاسی عمومی، پیچیدگی‌های ساختار اداری، و فشارهای خارجی مواجه است. با این حال، این نظام از ظرفیت‌های بالایی برای ایجاد وحدت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی، و گسترش عدالت برخوردار است. مردم‌سالاری دینی، با تأکید بر نقش فعال مردم در ساختار حکومتی و نظارت بر عملکرد مسئولان، الگویی کارآمد برای حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. این نظریه، با تکیه بر آموزه‌های دینی و حقوق عمومی، توانسته است میان حاکمیت الهی و مشارکت مردمی تعادل برقرار کند. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردم‌سالاری دینی، می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه اسلامی کمک کند و نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان الگویی موفق برای جهان اسلام معرفی نماید.



## جایگاه رئیس‌جمهور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پس از مقام رهبری، نقشی محوری در تحقق اهداف نظام و اجرای سیاست‌های کلان ایفا می‌کند. این جایگاه، بر اساس اصول متعدد قانون اساسی، مسئولیت‌های متعددی را شامل می‌شود که از نظارت بر اجرای قانون اساسی گرفته تا هدایت دستگاه‌های اجرایی و نمایندگی نظام در مجامع داخلی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.

اصل ۱۱۳ قانون اساسی به‌صراحت بیان می‌دارد که رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد، مگر در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود (قانون اساسی، اصل ۱۱۳). از دیگر وظایف مهم رئیس‌جمهور، پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی، او در مراسم تحلیف سوگند یاد می‌کند تا تمامی توان خود را برای حفظ اسلام و قانون اساسی به‌کار گیرد. این اصل، وظیفه‌ای دوگانه بر دوش رئیس‌جمهور می‌گذارد: نخست، پاسداری از احکام اسلامی و ارزش‌های دینی؛ و دوم، تضمین اجرای قانون اساسی به‌عنوان سندی که مبنای مشروعیت و نظم حقوقی کشور است. رئیس‌جمهور همچنین بر اساس اصل ۱۲۲ قانون اساسی، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است. این مسئولیت سه‌گانه، جایگاه رئیس‌جمهور را در مقام پاسخ‌گویی و نظارت مضاعف قرار می‌دهد. از یک سو، او باید در قبال اجرای سیاست‌های نظام به رهبری پاسخ‌گو باشد و از سوی دیگر، در برابر ملت و نمایندگان مجلس، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها را حفظ کند (هاشمی، ۱۳۹۲: ۶۵). این رویکرد نظارتی، نشان‌دهنده تأکید قانون اساسی بر اهمیت شفافیت در کنار این وظایف، رئیس‌جمهور نقش کلیدی در سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی ایفا می‌کند. بر اساس اصل ۱۲۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او، مسئولیت امضای معاهدات و قراردادهای بین‌المللی را بر عهده دارد. این وظیفه، نشان‌دهنده اهمیت جایگاه رئیس‌جمهور در پیشبرد دیپلماسی نظام و تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی است. علاوه بر این، بر اساس اصل ۱۲۶، رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه کشور و همچنین مسائل اداری و استخدامی را بر عهده دارد. این اصل، رئیس‌جمهور را به‌عنوان متولی سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و اداری معرفی می‌کند و او را در رأس هرم تصمیم‌گیری در حوزه‌های اجرایی قرار می‌دهد. این وظایف، نیازمند هماهنگی مستمر میان رئیس‌جمهور و سایر نهادهای حاکمیتی است که در این مین جایگاه ارتباط رهبری و رئیس‌جمهور برجسته است تا از هرگونه تعارض در تصمیم‌گیری و اجرا جلوگیری شود. در مقام جمع‌بندی باید بیان نمود که از منظر قانون اساسی، رئیس‌جمهور تحت نظارت امامت امت و وظیفه دارد سیاست‌های کلان نظام را به اجرا درآورد؛ چراکه در این نظام، مشروعیت و کارآمدی دولت از طریق تعامل میان رهبری و رئیس‌جمهور و با مشارکت فعال مردم تأمین می‌شود و مبتنی بر اصل ۱۱۰ قانون اساسی تنفیذ حکم رییس‌جمهور نمودی از مشروعیت‌بخشی به جایگاه رییس‌جمهور در نظام اسلامی محسوب می‌گردد. (غمامی و کدخدامرادی، ۱۳۹۷: ۵) به بیان دقیق‌تر در نظام جمهوری اسلامی،



رئیس‌جمهور نه تنها وظایف اجرایی گسترده‌ای دارد، بلکه مسئولیت نظارت و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی را نیز بر عهده دارد. این ویژگی، جایگاه رئیس‌جمهور را در نظام حقوقی ایران، به‌عنوان حلقه اتصال میان رهبری و مردم، برجسته می‌سازد. در جمع‌بندی، می‌توان گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی منحصر به‌فرد برای رئیس‌جمهور قائل شده است. رئیس‌جمهور، علاوه بر وظایف اجرایی و نظارتی، نقشی اساسی در تحقق اهداف کلان نظام و اجرای سیاست‌های کلی ایفا می‌کند. این جایگاه، از یک سو نیازمند تعامل مستمر با مقام رهبری و از سوی دیگر، مستلزم ارتباط مستقیم با مردم است تا اصول ولایتمداری و مردم‌پایگی به‌صورت هم‌زمان محقق شوند.

### تحلیل ولایت‌محوری در سیره‌ی شهید رئیسی

ولایتمداری، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، در سیره مدیریتی شهید آیت‌الله رئیسی، نمود بارزی داشت. این اصل در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، و تعاملات ایشان با دیگر نهادهای حاکمیتی به‌وضوح مشاهده می‌شد. در این بخش، به بررسی پنج محور کلیدی در ولایتمداری شهید رئیسی پرداخته می‌شود که بر اساس گزارش‌های رسمی، مستندات منتشرشده و شواهد عینی از عملکرد دولت سیزدهم مورد تحلیل قرار گرفته است.

#### ○ ابتناء راهبردی و گفتمانی بر اندیشه ولی فقیه

گفتمان و نگاه راهبردی شهید رئیسی در موضوعات مختلف منطبق بر نگاه امام و رهبری و منبعث از این مکتب و گفتمان بود. وی به صورت شفاف در این زمینه بیان داشت: «گاهی از ما سؤال می‌شود گفتمان دولت چیست؟ در دو کلمه نمی‌شود ما بگوییم امروز گفتمان دولت فرض کنید فقط آزادی یا عدالت است. اسم این شعار است. گاهی در افکار عمومی و افواه از آن به گفتمان یاد می‌شود. اسم این گفتمان نیست، شعار دولت‌هاست. ... ما گفتمان خودمان را همان گفتمان امام و رهبری قرار داده‌ایم؛ چون همین گفتمان باید اجرایی شود. گفتمان امام و رهبری. سند هم همین سند گام دوم انقلاب اسلامی است.» (سخنرانی شهید رئیسی در سیزدهمین اجلاس هیئت مدرسین حوزه علمیه قم، دی ماه سال ۱۴۰۲)

در راستای تحقق این گفتمان شهید رئیسی نسبت به گفتمان امام (ره) در حوزه‌های مختلف شناخت و اشراف کامل داشتند و بر همین اساس در مقام تحقق شاخصه‌های مکتب سیاسی و اجتماعی حضرت امام (ره) برآمدند.

«اولین ویژگی و شاخص مکتب سیاسی امام، توجه به خدا و برای خدا کار انجام دادن است ... نکته دوم در مکتب سیاسی امام توجه به مردم است، ... نکته سوم که متفاوت می‌کند با مکاتب دیگر، مسئله اجرای عدالت است؛ ليقوم الناس بالقسط (حدید، ۲۵). ... یکی از شاخص‌های مکتب امام ضد استکباری بودن است. امام هیچ زمان با ظلم کنار نیامدند؛ مثلی لایبایع مثله. این در زندگی امام بود ... یکی از شاخص‌های دیگر مکتب امام مسئله توجه به محرومین و مظلومین، نه فقط



در ایران اسلامی، بلکه در سراسر عالم اسلام بود. (سخنرانی شهید رئیسی در دیدار با جمعی از علمای سوریه، اردیبهشت سال ۱۴۰۲)<sup>۱</sup>

#### ○ پایبندی به سیاست‌های کلی نظام و سامانه تکالیف بالادستی

یکی از مهم‌ترین نمودهای ولایتمداری در سیره شهید رئیسی، تبعیت کامل از سیاست‌های کلی نظام بود. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی نظام را تعیین و ابلاغ می‌کنند و دستگاه‌های اجرایی موظف به اجرای آن هستند (اصلائی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۸: ۹۰). شهید رئیسی با راه‌اندازی سامانه تکالیف بالادستی در دولت که به منظور تطبیق مقررات و لوایح پیشنهادی در دولت با متن قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و فرامین رهبری شکل گرفته بود (بهادری جهرمی، علی، برای خدا، برای مردم، ۱۴۰۴: ۳۶۶) گامی مهم در جهت انطباق مصوبات و برنامه‌های دولت با این سیاست‌ها برداشت. همچنین برای اولین بار برای سیاست‌های کلی نظام ابلاغی در سالهای فعالیت دولت، برنامه‌های اقدام جامع دولت تدوین و به مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر قوا تقدیم و سعی شد که دستگاه‌ها در چهارچوب این برنامه اقدام مشترک، گام‌های اجرایی سیاست‌های کلی را پیگیری کنند. (بهادری جهرمی، علی، برای خدا، برای مردم، ۱۴۰۴: ۳۶۷)

#### ○ پیگیری دقیق و سریع دستورات رهبری

یکی از ویژگی‌های بارز شهید رئیسی، پیگیری فوری و دقیق دستورات و توصیه‌های مقام معظم رهبری بود. ایشان از همان اولین جلسات هیئت دولت، همه اعضای این جلسه را به عنوان مخاطبان اصلی بیانات مقام معظم رهبری محسوب می‌کردند و محورهای فرمایشات ایشان -چه فرمایشات ناظر به حوزه و دستگاهی خاص و چه فرمایشات ناظر به همه حوزه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور- را در عین حال که چراغ راه دولت سیزدهم می‌دانستند، بر لزوم تحقق و اجرایی شدن آن‌ها در مقام عمل تأکید می‌کرد. (بهادری جهرمی و کدخدامرادی، ۱۴۰۴، ۲۱۲)

#### ○ پرهیز از هزینه کردن از جایگاه رهبری

شهید رئیسی همواره تأکید داشتند که نباید کاستی‌ها یا ناکامی‌های دولت به رهبری نسبت داده شود. این رویکرد، که بر اساس آموزه‌های اسلامی و اخلاقی شکل گرفته بود، در سخنرانی‌ها و جلسات هیئت دولت نیز به وضوح روشن بود. این نگرش، به ویژه در اجرای طرح‌های حساس اقتصادی مانند اصلاح یارانه‌ها و مردمی‌سازی یارانه‌ها و مواردی که نارضایتی از برخی تصمیمات دولت وجود داشت و بعضاً در برخی ادوار مشکلات به عدم همکاری سایر بخش‌ها و دستگاه‌ها مستند می‌شد نمود داشت. شهید رئیسی بارها در مصاحبه‌های عمومی و نشست‌های خبری، مسئولیت کامل تصمیمات اقتصادی را بر عهده گرفتند و تلاش کردند تا مردم را نسبت به اهداف این طرح‌ها آگاه سازند.

<sup>۱</sup>مشابه همین محورها در سخنرانی در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل (ره) و شهدای انقلاب اسلامی در حرم مطهر امام، بهمن ماه سال ۱۴۰۲ هم با شیوه دیگری تکرار شده است.



## ○ تقویت همکاری میان دولت و نهادهای تحت نظر رهبری

تعامل و هماهنگی میان دولت و نهادهای زیرمجموعه رهبری، یکی دیگر از محورهای ولایتمداری شهید رئیسی بود. این همکاری‌ها، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف نظام داشت. به‌عنوان مثال اجرای بسیاری از پروژه‌های حل بحران کم‌آبی، تأمین برق، توسعه زیرساختهای بهداشتی و درمانی و راه‌سازی با هماهنگی ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، بنیاد مستضعفان و بسیج سازندگی و قرارگاه امام حسن (ع) سپاه بود که در تمامی مراسم افتتاح‌های مشترک به این موضوع اشاره و تأکید می‌شد به عنوان نمونه شهید رئیسی در افتتاح مرکز جامع تشخیص و درمان سرطان برکت اعلام کرد «من امروز باید هم به ملت‌مان و هم به شما عزیزان عرض کنم که بسیاری از کارهایی که امروز در کشور دارد انجام می‌شود، با همکاری همه دستگاه‌ها و نهادهای دولت است. امروز ما نهادها را جدا از دولت تعریف نمی‌کنیم که بگوییم یک بخش نهادها هستند و یک بخش دولت؛ مردم را جدای از دولت تعریف نمی‌کنیم.» (سخنرانی شهید رئیسی در افتتاح مرکز جامع تشخیص و درمان سرطان برکت، اسفندماه سال ۱۴۰۱) بسیاری از پروژه‌های سفرهای استانی نیز با همکاری قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی دیگر اجرا می‌شد. (سنگبر، محمد علی و دیگران، ۱۴۰۳، صص ۷۶-۱۰۴)

### ۱.۱. پرهیز از اختلاف میان دستگاه‌های عمومی مبتنی بر نگاه رهبری

یکی از وجوه رویکرد ریاست جمهوری شهید رئیسی، «همکاری و همدلی متولیان اداره امور کشور» در راستای اجرای امر ولی جامعه بود. (بهادری جهرمی و کدخدامرادی، ۱۴۰۴، ۳۱۶) حتی به طور خاص اجازه نمی‌داد اعمال صلاحیت‌های نظارتی مجلس شورای اسلامی نسبت به عملکرد دولت نیز به عنوان عامل اختلاف بین قوا قلمداد شود چه آنکه از منظر ایشان متعاقب فرمایشات مقام معظم رهبری، همکاری و هماهنگی و همگرایی بین قوا باید معطوف به حل مسائل کشور و رفع مشکلات مردم باشد. به همین دلیل هم در جلسه استیضاح وزیر صمت دولت در صحن مجلس و هم پس از آن نسبت به این مسأله تأکید داشت: «ابتدا من لازم می‌دانم این مطلبی که من در مجلس امروز گفتم، اینجا هم دوستان تأکید کنم که کار مجلس به عنوان تذکر یا احیاناً سؤال در موارد خاص استیضاح، این نباید عنوان اختلاف بین قوا پیدا بکند. ما همکاری بین قوا را برای حل مسأله به شدت نیاز داریم و دوستان هم برای حل مسائل باید نگاهشان، نگاه حل مسأله باشد. همان چیزی که رهبری به همه ما توصیه کردند. فرمودند که همکاری و هماهنگی و همگرایی بین قوا باید به حل مسائل کشور و رفع گره‌های بین مردم بیانجامد.» (سخنران شهید رئیسی در جلسه مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ هیئت دولت)

با عنایت به نمونه‌های پیش گفته روشن است که سیره مدیریتی شهید رئیسی، نمونه‌ای موفق از ولایتمداری در نظام جمهوری اسلامی ایران بود. ایشان با تبعیت از سیاست‌های کلی نظام، پیگیری دقیق دستورات رهبری، و تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی، الگویی عملی از ولایتمداری ارائه دادند. این سیره مدیریتی می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تحلیل و تقویت سیاست‌های آینده در راستای تحقق اهداف نظام اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.



### تحلیل مردم‌پایگی در سیره مدیریتی شهید رئیسی

مشارکت فعال و سازنده مردم در حکومت مبتنی بر نظریه امامت و امت یا به تعبیر دیگر مردم‌پایگی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۹۷) و به معنای تقویت ارتباط مستقیم میان دولت و مردم و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عمومی برای پیشبرد اهداف کلان نظام است. این اصل، که ریشه در نظریه مردم‌سالاری دینی دارد، در سیره مدیریتی شهید آیت‌الله رئیسی نمودهای متعددی داشت. عملکرد ایشان در حوزه‌های مختلف، نشان‌دهنده تعهد جدی به این اصل و تلاش مستمر برای تحقق عدالت اجتماعی، شفافیت، و پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی بود. در این بخش، پنج محور کلیدی از مردم‌پایگی شهید رئیسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ○ ارتباط مستقیم با مردم از طریق سفرهای استانی

یکی از بارزترین جلوه‌های مردم‌پایگی شهید رئیسی، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با مردم از طریق سفرهای استانی بود. ایشان از نخستین روزهای تصدی ریاست جمهوری، سفرهای منظم به استان‌های مختلف کشور را آغاز کردند. این سفرها با هدف بررسی مشکلات مردم، شنیدن نظرات آنان، و اتخاذ تصمیمات فوری برای حل معضلات انجام می‌شد که تنها در طول سه سال ۴۸ سفر استانی به جز سفرهای افتتاح‌ها یا بازدیدهای میدانی از سوی رئیس‌جمهور در استانهای مختلف برگزار شد. (سنگبر، محمد علی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۴)

#### ○ شفاف‌سازی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای به مردم

شفافیت در تصمیم‌گیری و عملکرد دولت، از دیگر محورهای مردم‌پایگی در سیره مدیریتی شهید رئیسی بود. ایشان معتقد بودند که مردم حق دارند از عملکرد دولت و تصمیمات اتخاذشده آگاه باشند. در همین راستا، گزارش‌های دوره‌ای از وضعیت پروژه‌های عمرانی، اقدامات اقتصادی، و شاخص‌های کلان اقتصادی به‌صورت عمومی منتشر می‌شد. برگزاری جلسات منظم گفتگوهای تلویزیونی، نشست‌های خبری و مصاحبه‌ها نیز در سطح ملی و استانی در همین راستا صورت می‌گرفت. به عنوان مثال تنها شخص رییس‌جمهور شهید در سومین سال فعالیت خود ۴۲ مصاحبه و گفتگوی عمومی جهت ارائه گزارش و ایجاد شفافیت نسبت به اقدامات و برنامه‌ها داشته است. (یعقوب ملکی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۸۰) علاوه بر این در حوزه‌های مختلف نیز گزارش‌های مجزایی به صورت مستمر منتشر می‌شد. به عنوان نمونه در حوزه‌های مختلفی همچون مسکن، اقتصاد، گردشگری، کار و اشتغال، بهداشت و درمان و... به صورت مستمر گزارش‌هایی از سوی وزارتخانه‌های مرتبط به صورت عمومی منتشر می‌شد. این شفاف‌سازی، نقش مهمی در جلب مشارکت مردم و اصلاح وضعیت رضایت عمومی داشت.

#### ○ برگزاری نشست‌های منظم با نخبگان و اقشار مختلف

۱ قابل دسترسی در سایت‌های دفتر هیأت دولت و مرکز ملی روایت پیشرفت



یکی دیگر از محورهای مردم‌پایگی شهید رئیسی، تعامل مستمر با نخبگان علمی، فرهنگی، و اقتصادی و اقشار مختلف جامعه بود. ایشان بر این باور بودند که تصمیم‌گیری‌های کلان باید بر اساس مشورت و استفاده از دیدگاه‌های تخصصی صورت گیرد. به همین منظور، جلسات متعددی با اساتید دانشگاه، کارآفرینان، و نمایندگان اقشار مختلف برگزار شد. (یعقوب ملکی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۰۰)

#### ○ مردمی‌سازی یارانه‌ها و سیاست‌های حمایتی

در راستای عدالت‌محوری و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، شهید رئیسی اصلاح ساختار یارانه‌ها را در دستور کار قرار داد. این اصلاحات که به «طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها» معروف شد، با هدف توزیع عادلانه منابع و حمایت از دهک‌های پایین جامعه انجام شد. بر اساس این طرح، یارانه‌های نقدی به صورت مستقیم به حساب خانوارهای واجد شرایط واریز می‌شد تا از هرگونه سوءاستفاده و هدررفت منابع جلوگیری شود.

#### ○ تسهیل دسترسی مردم به خدمات دولتی از طریق دولت الکترونیک

یکی دیگر از نمودهای مردم‌پایگی در سیره شهید رئیسی، تلاش برای تسهیل دسترسی مردم به خدمات دولتی از طریق توسعه دولت الکترونیک بود. ایشان معتقد بودند که کاهش بوروکراسی و ارائه خدمات به صورت الکترونیکی، علاوه بر افزایش رضایت عمومی، به شفافیت و کاهش فساد اداری نیز کمک می‌کند. در همین راستا، پروژه‌های متعددی برای دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری و ارائه خدمات آنلاین به شهروندان اجرا شد. به گفته وزیر ارتباطات، «دولت سیزدهم توانست با تسریع در اجرای پروژه‌های دولت الکترونیک، خدمات متعددی را به صورت غیرحضوری به مردم ارائه دهد، از جمله سامانه‌های مرتبط با خدمات بیمه، مالیات، و ثبت‌نام در طرح‌های حمایتی». این اقدامات، تأثیر بسزایی در کاهش هزینه‌های مردم و تسهیل دسترسی آنان به خدمات دولتی داشت. (سنگبر، محمد علی و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۸۴-۱۸۵)

در مجموع می‌توان بیان داشت مردم‌پایگی در سیره مدیریتی شهید رئیسی، الگویی عملی از تحقق مردم‌سالاری دینی ارائه می‌دهد. از ارتباط مستقیم با مردم در سفرهای استانی گرفته تا شفاف‌سازی، مشورت با نخبگان، و ارائه خدمات الکترونیک، تمامی این اقدامات نشان‌دهنده اهتمام جدی به اصول حکمرانی مردم‌پایه بود. این رویکرد، علاوه بر تقویت سرمایه اجتماعی، زمینه را برای افزایش کارآمدی دولت و تحقق عدالت اجتماعی فراهم ساخت.

#### تحلیل تطبیقی: ولایتمداری و مردم‌پایگی در چارچوب نظریه امامت و امت

نظریه امامت و امت، که در فقه سیاسی شیعه جایگاه برجسته‌ای دارد، پیوندی میان مشروعیت الهی و مشارکت مردمی برقرار می‌کند. این نظریه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، از طریق سازوکارهایی همچون ولایت فقیه، نقش مردم در تعیین سرنوشت خود، و مسئولیت رئیس‌جمهور در پیوند با رهبری، تبلور یافته است. ولایتمداری و مردم‌پایگی، دو ستون اصلی این نظریه محسوب می‌شوند که به صورت مکمل در سطوح مختلف حکمرانی عمل می‌کنند. در این بخش، به



تحلیل تطبیقی این دو اصل در چارچوب نظریه امامت و امت، با استناد به عملکرد شهید آیت‌الله رئیسی در دولت سیزدهم، پرداخته می‌شود.

#### ○ پیوند ولایتمداری و مردم‌پایگی در نظریه امامت و امت

در نظریه امامت و امت، ولایتمداری به معنای تبعیت از ولی فقیه به‌عنوان هدایت‌گر جامعه و مردم‌پایگی به معنای مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، دو عنصر جدایی‌ناپذیرند. این نظریه، برخلاف نظام‌های استبدادی یا دموکراسی‌های لیبرال، تلاش می‌کند تعادل میان حاکمیت الهی و اراده عمومی را برقرار کند. به بیان دیگر یکی از آثار مهم و بنیادین نظریه امامت و امت و نسبت آن با نظریه مردم‌سالاری دینی، تبیین نسبت مفهومی جمهوریت و اسلامیت است. در مقام تبیین نسبت این دو باید گفت نقش مردم در حکومت اسلامی، اصطلاح ترکیب یافته از دو مفهوم جمهوریت و اسلامیت به‌عنوان دو اصطلاح بیگانه نیست بلکه اساساً این دو مفهوم، تجلی یک حقیقت واحد هستند که البته این حقیقت واحد نیز از دل آموزه‌های اسلامی برخاسته است.

این پیوند، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس شده است. اصل ۵ قانون اساسی، ولایت فقیه را به‌عنوان رکن اصلی نظام معرفی می‌کند و اصول ۶ و ۵۶، بر حق حاکمیت مردم و نقش آنان در اداره کشور تأکید دارند. این اصول، نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای ایجاد توازن میان رهبری الهی و مشارکت مردمی است (جمعی از نویسندگان، ۳۰: ۱۴۰۳).

#### ○ نمودهای عملی ولایتمداری و مردم‌پایگی در دولت شهید رئیسی

سیره مدیریتی شهید رئیسی، نمونه‌ای موفق از تحقق عملی ولایتمداری و مردم‌پایگی بود. در دولت سیزدهم، این دو اصل به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ در حوزه‌های مختلف اجرایی به‌کار گرفته شدند. به‌عنوان نمونه شهید رئیسی، با ایجاد سامانه تکالیف بالادستی، تلاش کرد تا تمامی مصوبات دولت با سیاست‌های کلان نظام منطبق باشد. این سامانه، که زیر نظر مستقیم دفتر ریاست‌جمهوری عمل می‌کرد، ابزاری کارآمد برای تطبیق مصوبات دولت با بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری بود. برای مثال، در حوزه اقتصاد مقاومتی، دولت شهید رئیسی توانست با اجرای دقیق رهنمودهای رهبری، تولید ملی را تقویت کند و از وابستگی به واردات بکاهد. این اقدامات، منجر به رشد حدود ۴ درصدی تولید ناخالص داخلی در هر سه سال فعالیت دولت شد. (مرکز آمار ایران، شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور و گزارش‌های فصلی اقتصاد ایران ۱۴۰۰ الی ۱۴۰۳)

عدالت‌محوری نیز یکی از اهداف اصلی دولت شهید رئیسی بود که در چارچوب نظریه امامت و امت معنا پیدا می‌کند. ایشان با اصلاح نظام مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی، تلاش کردند تا منابع مالی کشور به‌صورت عادلانه‌تری توزیع شود. در مجموع می‌توان بیان داشت دولت‌سازی اسلامی، به‌عنوان سومین مرحله از مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی، مستلزم هم‌افزایی مستمر دو اصل ولایتمداری و مردم‌پایگی است. این هم‌افزایی، موجب افزایش کارآمدی دولت، تقویت



اعتماد عمومی، و تحقق عدالت اجتماعی می‌شود. عملکرد شهید رئیسی در دولت سیزدهم، نشان‌دهنده این بود که چگونه می‌توان با اتکا به رهنمودهای رهبری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی، اهداف کلان نظام را محقق ساخت.

### راهکارهای تحقق دولت‌سازی اسلامی مبتنی بر سیره شهید رئیسی

دولت‌سازی اسلامی به‌عنوان سومین مرحله از مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی، نقشی محوری در عملیاتی‌سازی ارزش‌های دینی و تقویت عدالت اجتماعی دارد. این مرحله، از یک سو متکی به اصول نظریه امامت و امت و از سوی دیگر، مستلزم تطبیق عملی این اصول در ساختارهای اجرایی، تقنینی، و قضایی است. با این حال، مسیر دولت‌سازی اسلامی با چالش‌هایی در سطوح مختلف مواجه است. در این بخش، چالش‌های اصلی و راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

یکی از چالش‌های اساسی در مسیر دولت‌سازی اسلامی، ناکارآمدی ساختارهای اجرایی و اداری است. ساختارهای بوروکراتیک پیچیده و غیربهبوده، نه تنها سرعت تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهند، بلکه منجر به اتلاف منابع و نارضایتی عمومی می‌شوند. راهکار پیشنهادی برای این **چالش**، **اصلاح** ساختارهای اداری از طریق بازطراحی فرآیندهای اجرایی و حذف بوروکراسی‌های زائد است. استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه دولت الکترونیک می‌تواند به تسریع و تسهیل امور کمک کند. ضعف در تبیین مفاهیم مردم‌سالاری دینی و نقش مردم در نظام اسلامی، از دیگر چالش‌های دولت‌سازی اسلامی است. بسیاری از مردم، آگاهی کافی از حقوق و وظایف خود در نظام جمهوری اسلامی ندارند و این مسأله می‌تواند منجر به کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی شود. برای غلبه بر این چالش، رسانه‌ها، مدارس، و نهادهای آموزشی باید برنامه‌های جامعی برای آگاهی‌بخشی عمومی ارائه دهند. همچنین، برگزاری جلسات و نشست‌های عمومی با اقبال مختلف جامعه می‌تواند به ارتقای سطح آگاهی مردم کمک کند. تحریم‌های اقتصادی و فشارهای بین‌المللی، از جمله موانع جدی در مسیر تحقق دولت‌سازی اسلامی هستند. این تحریم‌ها، منابع مالی دولت را محدود می‌کنند و اجرای بسیاری از پروژه‌های کلان را با مشکل مواجه می‌سازند. در چنین شرایطی، وابستگی به منابع نفتی نیز یکی دیگر از چالش‌ها به‌شمار می‌آید که اقتصاد کشور را آسیب‌پذیرتر می‌کند. یکی از راهکارهای اصلی در این زمینه، تقویت اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است. دولت شهید رئیسی با تأکید بر تولید داخلی و حمایت از صنایع دانش‌بنیان، تلاش کرد تا پایه‌های اقتصادی کشور را تقویت کند. همچنین، توسعه دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه و منطقه توانست بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش دهد و حجم ترازیت و همچنین میزان تجارت خارجی کشور را افزایش دهد (سنگبر، محمد علی و دیگران، ۱۴۰۳: ۴۷). وجود برخی خلأهای حقوقی و تضادهای قانونی، از دیگر موانع در مسیر دولت‌سازی اسلامی است. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). تضادهای قانونی در زمینه‌هایی همچون حقوق شهروندی، سرمایه‌گذاری، و سیاست‌های حمایتی، اجرای عدالت را با مشکل مواجه می‌کند. راهکار این چالش، تدوین قوانین جامع و به‌روزرسانی مستمر آن‌ها بر اساس نیازهای جامعه و تحولات بین‌المللی است. تشکیل کارگروه‌های حقوقی برای بررسی تضادهای قانونی و ارائه



راه‌حل‌های مناسب، می‌تواند به کارآمدتر شدن سیستم حقوقی کمک کند. یکی دیگر از چالش‌های عمده در مسیر دولت‌سازی اسلامی، ضعف در نظارت و پاسخ‌گویی است. در بسیاری از موارد، نبود سازوکارهای نظارتی کارآمد، موجب ایجاد فساد اداری و نارضایتی عمومی می‌شود. مقام معظم رهبری بارها بر لزوم تقویت نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی تأکید کرده‌اند. (بهادری جهرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۱)

لذا باید توجه داشت دولت‌سازی اسلامی، مستلزم رفع چالش‌های متعدد در سطوح مختلف است. از اصلاح ساختارهای اجرایی و تبیین مفاهیم دینی گرفته تا مقابله با فشارهای اقتصادی و تقویت نظارت، تمامی این اقدامات برای پیشبرد اهداف نظام ضروری‌اند. عملکرد شهید رئیسی در دولت سیزدهم، نشان‌دهنده تلاش‌های جدی برای مواجهه با این چالش‌ها و تحقق اهداف دولت‌سازی اسلامی بود. ادامه این مسیر، نیازمند همکاری میان تمامی نهادهای حاکمیتی و مشارکت فعال مردم است.

### نتیجه‌گیری

مطالعه سیره مدیریتی شهید آیت‌الله رئیسی در چارچوب نظریه امامت و امت، نشان‌دهنده اهمیت جایگاه رئیس‌جمهور به‌عنوان حلقه اتصال میان رهنمودهای مقام معظم رهبری و مطالبات مردمی است. این جایگاه که در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، نقشی کلیدی در اجرای سیاست‌های کلی نظام و تحقق مردم‌سالاری دینی ایفا می‌کند. مقاله حاضر، با هدف تحلیل نسبت میان ولایتمداری و مردم‌پایگی به‌عنوان دو رکن اساسی نظریه امامت و امت، به تبیین این جایگاه از منظر مبنایی، نهادی و کارکردی پرداخته است. ولایتمداری و مردم‌پایگی، در عملکرد شهید رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور دولت سیزدهم به‌صورت هم‌زمان و در قالبی هم‌افزا تجلی یافت. ولایتمداری در سیره او از طریق پیروی کامل از سیاست‌های کلی نظام، راه‌اندازی سامانه تکالیف بالادستی، و پیگیری دقیق دستورات مقام معظم رهبری محقق شد. این تبعیت، صرفاً جنبه شعاری نداشت، بلکه به‌عنوان راهبردی عملی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اجرایی مورد استفاده قرار گرفت. در سوی دیگر، مردم‌پایگی در قالب سفرهای استانی، ارتباط مستقیم با مردم، پاسخ‌گویی میدانی، شفاف‌سازی تصمیمات، و تسهیل دسترسی به خدمات دولتی ظهور یافت و نقش مهمی در ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نظام ایفا کرد. این ترکیب به ارائه الگویی از حکمرانی اسلامی منتهی شد که ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران را برای ورود به مرحله تثبیت دولت اسلامی در مسیر تمدن‌سازی، عینیت بخشید. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله، تبیین نقش رئیس‌جمهور به‌عنوان متولی اجرای سیاست‌های کلان نظام و نماینده مستقیم مردم است؛ نقشی که مستلزم تعادلی دقیق میان تبعیت از رهنمودهای ولی‌فقیه و پاسخ‌گویی به خواسته‌های عمومی است. شهید رئیسی با عملکرد خود نشان داد که رئیس‌جمهور در نظام اسلامی می‌تواند و باید در امتداد ولایت و هم‌زمان در تماس دائمی با امت حرکت کند. این جمع میان دو رکن، الگویی موفق از دولت‌سازی اسلامی را ارائه داد که می‌تواند زمینه‌ساز مرحله بعدی تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. همچنین این مقاله نشان داد که کاستی‌های نظام اجرایی جمهوری اسلامی در تحقق



دولت اسلامی، بیشتر برخاسته از ضعف عملکردی رؤسای جمهور پیشین و فقدان درک صحیح از نسبت میان ولایت و امت است تا فقدان ظرفیت در قانون اساسی یا نارسایی‌های ساختاری. سیره مدیریتی شهید رئیسی اثبات کرد که می‌توان با بهره‌گیری فعال از ظرفیت‌های قانونی موجود و تکیه بر مبانی نظری انقلاب اسلامی، دولت را در ریل صحیح تمدن‌سازی پیش برد. مشروط به آن‌که رئیس‌جمهور خود را نه در تقابل با ولایت فقیه، بلکه در امتداد آن و نه در انفعال نسبت به خواست مردم، بلکه در نقش پاسخ‌گوی مؤثر به مطالبات عمومی ببیند. بر این اساس، چند پیشنهاد برای تقویت نقش رئیس‌جمهور در تحقق نظریه امامت و امت ارائه می‌شود: نخست، تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در تمامی فرایندهای اجرایی، به‌گونه‌ای که مردم بتوانند عملکرد دولت را به‌طور مستمر رصد و ارزیابی کنند. دوم، استمرار و گسترش ارتباطات مستقیم رئیس‌جمهور با آحاد مردم از طریق سفرهای منظم استانی، برگزاری جلسات مشورتی و استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی. سوم، اصلاح ساختارهای بوروکراتیک و تسهیل دسترسی مردم به خدمات، به‌ویژه از طریق توسعه دولت الکترونیک و حذف فرایندهای اداری ناکارآمد. چهارم، تقویت سازکارهای نهادی برای تنظیم روابط میان ریاست‌جمهوری و نهاد رهبری به‌گونه‌ای که هماهنگی، هم‌افزایی و کارآمدی در اداره کشور ارتقا یابد.

افزون بر این موارد، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده، مقایسه دقیق‌تری میان سیره مدیریتی رؤسای جمهور پیشین با الگوی حکمرانی شهید رئیسی صورت گیرد تا نقاط قوت و ضعف هر رویکرد در تحقق اهداف انقلاب اسلامی به‌درستی سنجیده شود. همچنین، باید به تبیین جایگاه مفهومی رئیس‌جمهور در نظریه امامت و امت در اسناد راهبردی نظام و برنامه‌های آموزشی نخبگان اجرایی کشور توجه بیشتری شود. در نهایت، نظریه امامت و امت را نباید صرفاً چارچوبی انتزاعی دانست، بلکه باید آن را به‌عنوان نقشه راهی برای حکمرانی اسلامی تلقی کرد. رئیس‌جمهور، به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی نظام، موظف است در مسیر تحقق این نظریه حرکت کند و با اتکا به اصول ولایتمداری و مردم‌پایگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری دولتی باشد که هم متصل به ولایت الهی است و هم برآمده از خواست آگاهانه مردم. سیره مدیریتی شهید آیت‌الله رئیسی، الگویی موفق و الهام‌بخش در این مسیر است که می‌تواند چراغ راه دولت‌های آینده در مسیر تحقق تمدن اسلامی باشد.



## منابع

۱. اصلانی، فیروز، فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۸) تحلیل نقاط ابهام نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در فرایند تقنین، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، شماره ۲۶
۲. بروجردی، محمدحسین (۱۳۸۶). *منابع فقه شیعیه*، تهران: فرهنگ سبز
۳. بهادری جهرمی، علی و کدخدامرادی، کمال (۱۴۰۴). *روایت رئیسی، تأملی در اندیشه‌های حکمرانی شهید رئیسی*، نشر واژه پرداز اندیشه، چاپ اول
۴. بهادری جهرمی، علی (۱۴۰۴). *برای خدا، برای مردم: شهید رئیسی و تجربه حکمرانی انقلابی*، نشر واژه پرداز اندیشه، چاپ اول، بهار
۵. بهادری جهرمی، علی، سیفی، محمدمهدی، فتاحی زفرقندی، علی و کدخدامرادی، کمال، (۱۳۹۶). *راه عدالت*، تهران: پژوهاک عدالت.
۶. بهادری جهرمی، علی، فتاحی زفرقندی، علی (۱۴۰۳). *اصول حکمرانی در حکومت اسلامی*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان،
۷. بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *مبانی نظری قانون اساسی*، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های دکتر بهشتی
۸. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۳). *مجموعه مقالات دومین همایش ملی مسئولیت اجرای قانون اساسی، معاونت قانون اساسی معاون حقوقی رئیس‌جمهور*
۹. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۳). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهاک عدالت
۱۰. جهان بین، فرزاد و مسعود معینی پور (۱۳۹۳). *فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹
۱۱. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۱). *ولایت فقیه*، مشهد: علامه طباطبایی
۱۲. خامنه‌ای سید علی، بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳
۱۳. خامنه‌ای سید علی، بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲
۱۴. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۰). *بیانات در دیدار هیئت دولت*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار رهبری.
۱۵. خلیلی، سحر (۱۳۹۰). *مردم سالاری دینی از دیدگاه آیت الله مصباح، فصلنامه معرفت*، سال بیستم، شماره ۱۶۸
۱۶. سنگبر، محمد علی و دیگران، دولت کار و امید، دفتر هیأت دولت با همکاری دستگاه‌های اجرایی، نشر جمهور ایران، چاپ اول، ۱۴۰۳.
۱۷. صالحی زاده، عبدالهادی و ابراهیم عباس پور (۱۴۰۲). *تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت ساز در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی*، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی / دوره ۶ / شماره ۱ (پیاپی ۱۱) / بهار و تابستان
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری*، تهران: دانشگاه تهران
۲۰. غمامی، سیدمهدی، کدخدامرادی، کمال (۱۳۹۷). *تحلیل فقهی و حقوقی مبانی، ماهیت و اعتبار تنفیذ حکم رئیس‌جمهور با تأکید بر رویکرد قانونگذار اساسی، فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۸۸
۲۱. فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴). *مردم و حکومت اسلامی*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان
۲۲. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۲۳. کعبی، عباس (۱۳۹۸). *تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان
۲۴. کعبی، عباس (۱۴۰۱). *گفتارهایی در حقوق عمومی اسلامی*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان
۲۵. مجلسی، محمداقبر. (۱۴۰۳ ه.ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محسنی، فرید (۱۴۰۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق



۲۷. مرکز آمار ایران، شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور و گزارش‌های فصلی اقتصاد ایران. قابل دسترسی در: <https://amar.org.ir>

۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). *نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)،

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیه

۳۰. مهرپور، حسین (۱۴۰۳). *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر.

۳۱. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.

۳۲. هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر